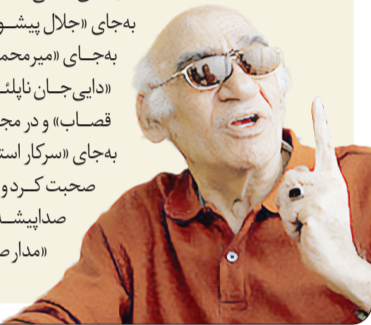


• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیری • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

چهره

سالمرگ دوبلور خاطر ساز

۶ دی ماه ۱۳۹۳ صادق ماهرو، از مدیران دوبلاژ و گویندگان پیشکسوت ایرانی، در کلن آلمان درگذشت. ماهرو که متولد ۳ فروردین ماه ۱۳۱۸ در تهران بود، فعالیت هنری خود را با بازیگری در تئاتر پارس آغاز کرد، بعدتر به دوبله مشغول شد و ۴۰ سال در این حرفه خاطره‌آفرینی کرد. شاید بتوان معروف‌ترین دوبله او را دوبله شخصیت «گوریل انگوری» دانست. جز این، دوبله او در نقش «داروغه ناتینگهام» در کارتون رابین هود و «شیر» در کارتون جادوگر شهر از نیز شهرت فراوانی دارد. ماهرو در فیلم «این گروه خشن» به جای «وارن اوتس»، در فیلم‌های «فرار بزرگ» و «هفت دلاور» به جای «چارلز برانسون»، در فیلم‌های «هنگ جانبازان»، «دوازده مرد خیبت» و «در خدمت سرویس مخفی ملکه» به جای «تلی سالوالاس»، در فیلم «کندو» به جای «جلال پیشواتیان»، در فیلم «قیصر» به جای «میرمحمد تجدد»، در سریال «دایی جان ناپلئون» به جای «شیرعلی قصاب» و در مجموعه فیلم‌های صمد به جای «سرکار استوار» و «ابرام گوسفندی» صحبت کرد و آخرین حضور او به عنوان صدایشده، در مجموعه تلویزیونی «مدار صفر درجه» بود.



عکس: ایژرا

مدعیان تغییر، منادیان بدعت

بخش دوم جشنواره دو تکه شده موسیقی نواحی به فاصله ۶ ماه از بخش اول در میانه دی ماه برگزار می‌شود

نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

«ساتراپی» وزارت کشور بود که ایران را به پنج منطقه اجتماعی تقسیم کرده است. پس از این تقسیم‌بندی، میزبانی به استان‌هایی داده شد که مدیران ارشادش مایل تر بودند و جشنواره شانزدهم طی روزهای ششم تا بیست‌وسوم تیرماه به میزبانی ۵ استان گلستان (۶ تا ۸ تیرماه)، چهارمحال و بختیاری (۱۰ تا ۱۲ تیرماه)، آذربایجان شرقی (۱۴ تا ۱۶ تیرماه)، کرمانشاه (۱۷ تا ۱۹ تیرماه) و کرمان (۲۱ تا ۲۳ تیرماه) برگزار شد و شامگاه ۲۳ تیرماه به ایستگاه پایانی رسید. به‌عبارت‌دیگر جشنواره‌ای که شعارش را «وحدت اقوام در عین کثرت موسیقی» انتخاب کرده بود، گلستان را به‌عنوان منطقه اول میزبان استان‌های تهران، قزوین، مازندران، خراسان شمالی، سمنان، البرز و قم کرد. سپس استان‌های اصفهان، فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان را به چهارمحال و بختیاری به‌عنوان منطقه دوم فرستاد. بعد از آذربایجان شرقی به‌عنوان منطقه سوم میزبان آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و گیلان شد و کرمانشاه هم به‌عنوان منطقه چهارم از استان‌های ایلام، لرستان، همدان، مرکزی و کردستان میزبانی کرد و کرمان میزبان پایانی بود و باید برای آستان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی، یزد، سیستان و بلوچستان و هرمزگان، این مراسم پیچیده را به پایان برد.

اختتامیه برگزار نشد، بخش بین‌الملل پرید

آن طور که جمال برفی، معاون هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه ۳۰ خردادماه ۱۴۰۲ به مهر گنت، اختتامیه شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی قرار بود «۲۳ تیرماه در تهران به همراه تقدیر از گروه‌های برتر» انجام شود، اما آخرین خبر منتشرشده از بخش «منطقه‌ای» جشنواره شانزدهم ۲۴ تیرماه ۱۴۰۲ منتشر شد که از «ایستگاه پایانی» با برگزاری «آخرین شب در شامگاه جمعه ۲۳ تیرماه در تالار مرکزی فرهنگ و هنر کرمان» خبر می‌داد. تقدیر از برگزارندگان، همچنین برگزاری بخش «ملی-بین‌المللی» در حال‌الیه از ابهام‌باقی بماند. این ابهام تا روز دوشنبه، چهارم دی ماه که خبر «اعلام‌زمان برگزاری مرحله ملی شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران» روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت، ادامه داشت. بی آن که مشخص باشد تکلیف بخش بین‌الملل چیست و آن میهمانانی که مرآت‌ی گفته بود قرار است از عراق، سوریه و کویت به جشنواره شانزدهم بیایند، کجا رفتند و اساساً چرا میان برگزاری این بخش با بخش نخست شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی ۶ ماه فاصله افتاده است؟

جدا از این، انتشار کمتر عکس و فیلمی از حاضران در سالن‌های محل برگزاری بخش نخست جشنواره شانزدهم؛ بخش منطقه‌ای، موجب ایجاد این تصور شد که آن چه کوروش اسدپور، از خوانندگان بختیاری ۱۴ تیرماه ۱۴۰۲ در مورد وضعیت افتتاحیه در چهارمحال و بختیاری به خبرگزاری مهر گفت، شامل دیگر استان‌ها هم بوده است. اسدپور این وضعیت را این‌طور توصیف کرد: «کمتر از ۲۰۰ نفر حاضر بودند، در حالی که ظرفیت سالن ۱۰۰۰ نفر بود. اکثر حاضران هم از هنرمندان شرکت‌کننده و کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بودند و جای خالی اقشار مختلف مردم به‌شدت احساس می‌شد.» او با بیان اینکه حضور برای عموم در شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی به میزبانی چهارمحال و بختیاری رایگان بود، دلیل خلوتی را این‌طور دانست: «علاقه‌مندان به موسیقی بختیاری در استان بسیار زیاد است و اگر می‌خواستیم کنسرت برگزار کنیم، قطعاً سالن مملو از جمعیت می‌شد ولی ما در سطح شهر شاهد هیچ گونه تبلیغات محیطی برای برگزاری این جشنواره نبودیم.»

دریافتی ناچیز برای هنرمندان مظلوم

همه آنچه گفته شد موجب رسیدن به این نتیجه متداول می‌شود: هدف از برگزاری جشنواره موسیقی نواحی آن است که «تعدادی هنرمند مظلوم مبلغی ناچیز دریافت کنند» و غیر از این هیچ خروجی باکیفیتی دیگری ندارد، ضمن اینکه رزومه‌ای هم برای مدیروقت ایجاد می‌کند. مواجه شدن با برگزاری جشنواره موسیقی نواحی به‌مثابه شغل، کاری که به‌بهر حال باید انجام شود، آسیب‌زا است و جشنواره موسیقی نواحی برای نجات از این وضعیت باید از حالت دولتی خارج و استیتمنتی جدید با رویکردی غیرایدئولوژیک و تبلیغاتی برای آن طراحی شود و تا این اتفاق رخ ندهد، جشنواره جز تحریف، تخریب و آسیب در موسیقی نواحی، حاصل دیگری نخواهد داشت.

اینکه جشنواره‌ای دو تکه شود و فاصله برگزاری تکه اولش تا تکه دوم ۶ ماه باشد، برای نخستین‌بار است که در تاریخ برگزاری جشنواره‌ها پس از انقلاب رخ می‌دهد؛ بدعتی که محمدعلی مرآت، دبیر جشنواره موسیقی نواحی و حلقه نزدیکانش، در شانزدهمین دوره این جشنواره پایه گذاشتند و بخش اول این رویداد را با عنوان «منطقه‌ای»، طی روزهای ششم تا بیست‌وسوم تیرماه ۱۴۰۲ به میزبانی ۵ استان برگزار کردند و بخش دوم آن را که قرار بود نامش «ملی-بین‌المللی» باشد، با نام «ملی» در دو بخش «اجرای صحنه‌ای» و «پژوهشی» از ۱۶ تا ۱۹ دی‌ماه در تهران و به میزبانی تالار رودکی برگزار خواهند کرد. بخشی که قرار است جزئیات آن متعاقباً از سوی ستاد جشنواره اعلام شود. این درحالی است که فارغ از مشخص نبودن چرایی برگزاری شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی در دو بخش مجزا، معلوم نیست چرا نام بخش دوم به‌یکباره از «ملی-بین‌المللی» به «ملی» تغییر می‌کند و چرا برگزاری آن تا میانه دی‌ماه به طول می‌انجامد؟ آن هم درحالی که محمدعلی مرآت ۱۵ مهرماه ۱۴۰۲ در مصاحبه با برنامه موسیقی «آرغون» در رادیو گفت‌وگو از برگزاری بخش دوم جشنواره شانزدهم در اواخر مهرماه خبر داده و اظهار کرده بود: «ما هر سال به موسیقی کشورهای همسایه که با موسیقی اقوام ما در ارتباطند، می‌پردازیم. سال گذشته از ازبکستان و تاجیکستان مهمان داشتیم و امسال هم به موسیقی عربی ایران، عراق، سوریه و کویت پرداختیم و از نوازندگانی دعوت کردیم که موسیقی مردمی و فولک اجرا می‌کنند.» تغییر در شیوه برگزاری یک جشنواره شانزده‌ساله، دو تکه کردن آن، تغییر نام تکه دوم و ۶ ماه فاصله انداختن میان برگزاری تکه اول تا تکه دوم، احتمالاً اگر در مورد هر جشنواره دیگری انجام می‌شد، اعتراض گسترده شرکت‌کنندگان آن جشنواره را برمی‌انگیخت، اما علی‌الظاهر اهالی موسیقی نواحی آن قدر مظلوم و بی‌صدا هستند و بی‌صدایی‌شان چنان بر مسئولان و مدیران فرهنگی کشور آشکار است که بشود هر چه خواست، بر سر جشنواره ۱۶ ساله‌شان آورد و صدا از کسی بلند نشود.

از پریدن از کرمان تا برگزاری در ۵ استان

جشنواره ۱۶ ساله موسیقی نواحی اگر چه پیش‌ازین هم کم‌فراز و نشیب از سر گذرانده بود اما سال گذشته و امسال را تکان‌های بیشتری پشت‌سر گذاشت. سال گذشته، مسئولان ارشاد کرمان مایل نبودند در روزهای پس از شهریورماه، پانزدهمین دوره این جشنواره را در زمان مقرر شده - ۲۰ تا ۲۵ آبان‌ماه ۱۴۰۱ - برگزار کنند و خواهان تغییر زمان آن شدند. مصاحبه ۲۱ آبان‌ماه پایگاه خبری «فردای کرمان» با محسن روحی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت استان نیز نشان از آن داشت که جشنواره موسیقی نواحی که از سال ۱۴۰۰ صاحب دبیرخانه‌ای دائمی هم در این شهر شده بود، از کرمان نخواهد رفت و فقط زمان برگزاری آن تغییر خواهد کرد. او در این مصاحبه با اشاره به این که اکنون زمان مناسبی برای برگزاری جشنواره نیست، گفته بود: «زمان پیشنهادی ما برای برگزاری جشنواره اردیبهشت‌ماه است و امیدواریم به این تفاهم برسیم.» تفاهمی که ظاهراً تنها محقق نشد که حتی چیزی در مورد عدم تحقق آن هم به کرمانی‌ها نگفتند و ناگهان فردای آن روز ۲۲ آبان‌ماه - خبر آمد که پانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی از ۲۳ تا ۲۷ آبان‌ماه ۱۴۰۱ در شهر گرگان برگزار می‌شود و این سرآغاز کوچ جشنواره از کرمان و رخ‌دادن اتفاقی برای نخستین‌بار در دوره شانزدهم بود.

تفاوت‌های فراخون دوره شانزدهم که ۱۰ خردادماه ۱۴۰۲ منتشر شد، با دوره‌های پیشین، خبر از ایجاد تغییر در ساختار این رویداد می‌داد. براین اساس قرار شد شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی برای نخستین‌بار در پنج منطقه ایران و در ۲ بخش؛ «منطقه‌ای» و «ملی-بین‌المللی» برگزار شود. دسته‌بندی استان‌ها آن طور که محمدعلی مرآت، دبیر جشنواره موسیقی نواحی از دوره چهاردهم تاکنون، سوم تیرماه ۱۴۰۲ به خبرگزاری مهر گفت، براساس طرح

کتابخانه

پاسخ به پرسش‌هایی در مورد مرگ

«مرگ»، نوشته جفری اسکار، با ترجمه شیرین احمدی در ۲۳۸ صفحه و قیمت ۱۹۰ هزار تومان، توسط نشر نو منتشر شده است. کتاب پیش رو کوشش یک فیلسوف برای پاسخ‌دادن به پرسش‌هایی از این قبیل است که آیا مرگ پایان کار است؟ آیا ممکن است که پس از مرگ نیز وجود ما دوام یابد؟ جهان بدون «من» چگونه خواهد بود؟ نزدیکان مان چه خواهند کرد و چه خواهند شد؟ در برابر مرگ چه واکنش فکری و عاطفی‌ای باید داشته باشیم؟ آیا ترس از مرگ معقول است؟ چه رابطه‌ای میان مرگ و پوچی یا معناداری زندگی هست؟ و... نویسنده کتاب، جفری اسکار؛ فیلسوف اخلاق و استاد بازنشسته دانشکده فلسفه دانشگاه دوره‌ام است. پژوهش‌های او در حوزه فلسفه اخلاق طیف گسترده‌ای از موضوعات را در بر می‌گیرد: از جمله مسئولیت اخلاقی، شجاعت، بخشودن، شرف، فایده‌باوری و مرگ. اسکار به حوزه اخلاق باستان‌شناسی نیز علاقه دارد و از همین رو مدیر و یکی از مؤسسان «مرکز اخلاق میراث فرهنگی در دانشگاه دوره‌ام» است.



مرگ

نویسنده:

جفری اسکار

مترجم: شیرین احمدی

انتشارات: نشر نو

تاریخ

انتشار کتاب حقوق جنگ و صلح



هوگو گروتیوس (۱۶۴۵ - ۱۵۸۳)، فیلسوف هلندی و پدر حقوق بین‌الملل، ۲۷ دسامبر سال ۱۶۲۵، کتاب معروف «حقوق جنگ و صلح» را در فرانسه منتشر کرد و در آن نوشت: «جنگ‌ها با هر بهانه جزئی یا هیچ بهانه‌ای، آغاز و انجام می‌شوند و هیچ قانون موضوعه، قانون خدا و قانون انسانیت، حاکم بر آنها نیست.

همچنین در جریان این جنگ‌ها ضابطه‌ای برای حفظ جان و مال مردم وجود ندارد و به‌نظر می‌آید که وجدان فاتح در جریان جنگ و دوران پیروزی، خواب است.» او ضمن مخالفت با به‌کارگیری نیروهای مسلح برای اجرای سیاست‌ها، به قدرت‌ها پیشنهاد می‌کرد که اگر نمی‌توانند از جنگ دست بردارند، دست‌کم با وضع یک قانون قابل قبول برای همه ملت‌ها، به جان و مال، حیثیت و امید مردم غیرنظامی و بی‌طرف، در جریان جنگ و پس از آن آسیب نزنند. این اثر در محافل سیاسی و حقوقی آن زمان بسیار سروصدا کرد و شهرت زیادی برای گروتیوس به‌بار آورد؛ به‌نحوی که در سال ۱۶۳۵ سوند، گروتیوس را به مقام سفیرکبیر خود در فرانسه منصوب کرد.

مفهوم مردم را مصادره نکنیم

درباره حمایت اصولگرایان از ناصر طهماسب و پروانه معصومی



رضا صانمی

خبرنگار گروه فرهنگ

روزنامه همشهری با طراحی عکس پروانه معصومی و ناصر طهماسب در کنار هم، تیتزر زده: «جرم: در کنار مردم بودن»، تا به منتقدان این هنرمند لقب زامبی بدهد و بنویسد: «حمله زامبی‌های مجازی به هنرمندان تازه‌درگذشته». همین روزنامه در چندماه اخیر با انتشار عکس‌های دفرمه از برخی سینماگران منتقد، با تیتزرهای تحقیرکننده و تمسخرآمیز، به تخریب چهره‌هایی پرداخت که هنرمند طراز این روزنامه نبودند. جالب اینکه در تیتزر دیروز روزنامه همشهری، کلمه «مردم» با رنگ زرد برجسته شده تا به نماد ناخوابسته‌ای از نوع نگاه این روزنامه به معنا و مفهوم کلمه مردم شود. نمادی از زردنگاری در یک روزنامه رسمی که البته اکنون به یک پایگاه مکتوب ارگانی تقلیل یافته که با هر که هر چه مخالف است، آن را در تیتزرهای خود آماج حمله‌های کلامی و جمله‌های تند و تیز قرار می‌دهد. واقعیت این است که چهره‌های هنری و سلبریتی‌ها در هر جامعه‌ای از جمله جامعه ما مخالفان و موافقانی دارند. همچنان که در فوتبال هم مبتنی بر فرهنگ هواداری، بازیکنان در کانون ستایش یا نکوهش مردم قرار می‌گیرند که کری خوانی بر خاسته از همین مناسبات است. البته قصه پروانه معصومی و ناصر طهماسب، متفاوت است و جدالی که بر سر قبض و بسط محبوبیت آنها در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پیش آمده، در ذیل نسبت سینما و سیاست قابل تفهیم و صورت‌بندی است. بر این اساس دوری یا نزدیکی به هسته قدرت و نهادهای آن، به معیار و محک افکار عمومی برای میزان مردمی بودن آنها تبدیل شده است. این مسئله در واقع بخشی از پیامد شکاف دولت‌مملت است که در سال‌های اخیر بیشتر شده و به مرزبندی‌های هنرمندان در بین مردم دامن زده است. پیش از اینکه مفهوم مردم را مصادره به مطلوب کنیم و هر نقدی را به واژه‌های زشتی مثل زامبی‌بودن گره بزیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که چرا میزان همکاری یک هنرمند با بخش‌هایی از نهادهای حاکمیت به معیار سنجش اعتبار و محبوبیت هنرمندان تبدیل شده است؟ چرا مردمی که تا همین دوده‌پیش پای تلویزیون، برنامه‌ها و سریال‌های آن می‌شنیدند و اثر هنرمندان را به تماشا می‌نستند، حالا همکاری هنرمندان با تلویزیون را دلیل و معیاری برای طردشدگی و بی‌اعتباری آنها قرار می‌دهند. مردم همان مردمی هستند که هنرمندان خود را شیفته‌وار دوست داشتند، در هر جایی مهر و علاقه خود را به آنها ابراز می‌کردند و آن‌ها اگر نقد تندی می‌کنند و می‌نویسند، نمی‌توان آنها را مورد سرزنش قرار داد و زامبی خطاب کرد. نمی‌شود اگر مردم با نگرش یک جریان و جناح سیاسی و فکری همسو نبودند و هنرمندان همراه با آن جریان را مورد نقد قرار دادند، به حمله و هجمه، زامبی‌ها خطاب شوند. نمی‌شود هر جا مردم با ما همراه بودند، ملتی شریف باشند و هر جا همسو نبودند، فریب‌خورده و زامبی و القاب و عناوین سرزنش‌گرانه دیگر. مگر همین مردم نبودند که به هنرمندان اعتبار و افتخار بخشیدند، آنها را بر صدر نشاندند و قدر و قیمت دادند؟ مگر همیشه هنرمندان نمی‌گویند، افتخار و اعتبار خود را از مردم می‌گیرند؟ پس چه می‌شود که وقتی همین مردم به گلابه و نقد، اظهارنظری درباره فلان هنرمند می‌کنند، اینگونه با الفاظ درشت و نادرست مورد نوازش قرار می‌گیرند. بله می‌توان درباره نوع اظهارنظر و مؤدبانه بودن یا نبودن آن دغدغه داشت که نقد هنرمند هم به زبان هنرمندانه نیاز دارد و اگر با گرایش‌های سیاسی و فکری هنرمندی موافق نبودیم، نمی‌توانیم هنر هنر را انکار کنیم. چنانکه نمی‌توان صدای سحرآمیز و جادویی ناصر طهماسب و توانایی بالای او را در صدایی‌نگی، انکار کرد که او بدون شک یکی از قله‌های هنر دوبله و گویندگی ایران بود و انکار هنر او چیزی جز اثبات هنرنشناسی خود نیست. اما نمی‌توان هرگونه نقدها به عملکرد و کارنامه یک هنرمند را مصادق زامبی‌گری و واژه‌هایی از این دست دانست. از سوی دیگر، این تیتزر و طراز یک روزنامه نیست که معیار مردمی بودن را تعیین می‌کند یا اگر گروهی از مردم را که همسو با نظر و منظر آنها نبودند، مورد حمله قرار دهد. مصادره به مطلوب کردن مفهوم مردم توسط یک رسانه بیش از همه به خود آن رسانه لطمه می‌زند که هر رسانه‌ای برای تداوم حیات حرفه‌ای خود باید همراهی همین مردم را داشته باشد. آیا بهتر نیست که روزنامه همشهری به‌جای این جنجال‌آفرینی‌ها به این مسئله باندیشد که چرا مثل گذشته مخاطب ندارد و مردم برای خرید آن دست به جیب نمی‌شوند. آیا این‌ها زامبی‌اند؟